



## Jurisprudential Foundations of the Government's Civil Responsibility in Compensating for Damages Caused by the Corona Virus

Gholam Reza Mohebian<sup>1</sup>, Seyed Ebrahim Mousavi<sup>1\*</sup>, Jamshid Mirzaei<sup>1</sup>

1. Department of Law, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

### ABSTRACT

**Background and Aim:** The widespread spread of the corona virus (Covid-19) has led to the infection of millions of people and the death of thousands of people in the world. This issue has raised the possibility or not of the government's civil responsibility for the corona disease as an important question and has become a benchmark for the efficiency and rationality of various scientific and religious systems and schools; So that it can be considered from many aspects, including jurisprudential-legal challenges. For example, we can mention issues such as the guarantee of sovereignty and the government's civil responsibility in life and financial damages, the application of the rule of quarantine and restriction of freedom, etc. This research examines and explains the jurisprudential-legal foundations of the government's civil responsibility in the Corona crisis.

**Methods:** This research is of a theoretical type, the research method is descriptive and analytical and the method of collecting information is library-based, referring to documents, books and articles.

**Ethical Considerations:** In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

**Results:** In order to ensure people's health, it is conceivable to have appropriate and jurisprudential-legal bases for creating the responsibility of the government to prevent and compensate for the damage caused by the corona disease. By dividing the considered bases, the rule of justice, the rule of sanctity of Muslim property, maintenance of economic security and public order as general bases and the rules such La zarar and Etlaf and Tasbib have been considered and cited as special grounds for proof of compensation.

**Conclusion:** According to the aforementioned principles, the actions of the government, such as not closing the borders in time, not announcing the arrival of the corona virus in the country in a timely manner and not controlling and finding effective solutions in the fight against this virus, are examples of damage and bear responsibility.

**Keywords:** Civil Liability; Government; Compensation; Corona Virus

**Corresponding Author:** Seyed Ebrahim Mousavi; **Email:** [se.ebrahim.moosavi65@gmail.com](mailto:se.ebrahim.moosavi65@gmail.com)

**Received:** August 11, 2022; **Accepted:** November 18, 2022; **Published Online:** May 27, 2023

### Please cite this article as:

Mohebian GH-R, Mousavi SE, Mirzaei J. Jurisprudential Foundations of the Government's Civil Responsibility in Compensating for Damages Caused by the Corona Virus. *Medical Law Journal*. 2023; 17(58): e2.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

## مجله حقوق پزشکی

دوره هفدهم، شماره پنجاه و هشتم، ۱۴۰۲

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

# مبانی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارات ناشی از ویروس کرونا

غلامرضا محبیان<sup>۱</sup>، سیدابراهیم موسوی<sup>۱\*</sup>، جمشید میرزایی<sup>۱</sup>

۱. گروه حقوق، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** شیوع گسترده ویروس کرونا (کووید-۱۹) منجر به ابتلای میلیون‌ها تن و مرگ هزاران انسان در جهان گردیده است. این موضوع امکان یا عدم امکان مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری کرونا را به عنوان یک پرسش مهم مطرح کرده است و به محکی برای کارآمدی و عقلانیت نظام‌ها و مکاتب علمی و مذهبی گوناگون تبدیل شده است، به طوری که از جوانب متعدد، از جمله چالش‌های فقهی - حقوقی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال می‌توان به مسائلی مانند ضمان حاکمیت و مسئولیت مدنی دولت در خسارات جانی و مالی، کاربرد قاعده قرنطینه و تحدید آزادی و... اشاره کرد. این پژوهش به بررسی و تبیین مبانی فقهی - حقوقی مسئولیت مدنی دولت در بحران کرونا می‌پردازد.

**روش:** این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** برای تأمین سلامتی مردم، مبانی مناسب و مستدل فقهی - حقوقی برای ایجاد مسئولیت بر ذمه دولت در وجوب پیشگیری و جبران خسارت بیماری کرونا قابل تصور است. با تقسیم مبانی مورد نظر، قاعده عدالت، قاعده حرمت مال مسلمان، حفظ امنیت اقتصادی و نظم عمومی به عنوان مبانی عام و قاعده‌هایی چون لاضرر و اتلاف و تسبیب در شمار مبانی خاص اثبات جبران خسارت، قلمداد شده و مورد استناد قرار گرفته‌اند.

**نتیجه‌گیری:** بر طبق مبانی مذکور، اقدامات دولت از قبیل عدم بستن به موقع مرزها، عدم اعلام سریع و به موقع ورود ویروس کرونا به کشور و عدم کنترل و چاره‌جویی مؤثر در مبارزه با این ویروس، از مصادیق خسارت بوده و موجب ضمان است.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت مدنی؛ دولت؛ جبران خسارت؛ ویروس کرونا

نویسنده مسئول: سیدابراهیم موسوی؛ پست الکترونیک: [se.ebrahim.moosavi65@gmail.com](mailto:se.ebrahim.moosavi65@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mohebian GH-R, Mousavi SE, Mirzaei J. Jurisprudential Foundations of the Government's Civil Responsibility in Compensating for Damages Caused by the Corona Virus. Medical Law Journal. 2023; 17(58): e2.

## مقدمه

بیماری کرونا یا «Covid-19» به اولویت اول جامعه پزشکی در جهان تبدیل شده است. نام کروناویروس برگرفته از نوعی پروتئین (Spike Proteins) است که ظاهرش مانند تاجی خورشیدگونه است. تاکنون چهار جنس از کروناویروس‌ها به نام‌های آلفا، بتا، گاما و دلتا شناسایی شده است که با توجه به ساختار پیچیده این ویروس، هر بار با جهشی تازه و نوعی جدید از کرونا رو به رو هستیم (۱). در دوران کنونی، پیچیدگی و گسترده شدن ارتباطات و ظهور پدیده‌های نو در تمام زمینه‌های انسانی باعث شده است تا موضوعات، حائز ابعاد و قیود بسیار متنوعی شوند، در صورتی که در توانایی‌های بالفعل فقه سلف، روزآوری جدی صورت نپذیرد، استنباط احکام در گستره وسیع موضوعات پیش رو، با مشکل مواجه خواهد شد، از جمله این مسائل که علاوه بر بعد فردی، به صورت گسترده‌ای ابعاد اجتماعی، حکومتی، امنیتی و رسانه‌ای متنوعی را دربر گرفته، چالش شیوع ویروس کرونا است که در این میان رسالت دولت بسیار حائز اهمیت است (۲).

دو مسأله فقهی از شیوع این ویروس ناشی می‌شود:

۱- قرنطینه افراد: محدود کردن افراد، در نگاه ابتدایی، تعارض و یا تزاخم قاعده لاضرر با قاعده سلطنت فرد بر اموال و نفس خود را در پی دارد، بدین معنی که فرد با چه توجیه فقهی به خاطر جلوگیری از شیوع این ویروس، از آزادی‌های فردی خود محروم می‌شود؟ پاسخ ابتدایی این است که حفظ نفوس، نسبت به دیگر امور که از جمله آن مال است، اولویت دارد، اما ضلع دیگر، صدمات اقتصادی است که به کشور و مردم به واسطه اعلام شرایط اضطراری وارد می‌شود. صدماتی که ممکن است به مراتب هزینه بیشتری نسبت به از دست رفتن عده‌ای از مردم، برای کشور به همراه داشته باشد. همچنین علاوه بر مرگ و میر تعدادی از شهروندان، هزینه‌های پزشکی درمان مبتلایان، هزینه‌های حفظ سلامتی و پیشگیری بیماری در دیگران و آثار روانی شیوع این ویروس، جملگی می‌تواند عنوان ضرر داشته باشد. حال آیا قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر و سلطنت، توان کافی برای حل این مسأله را دارند؟

۲- محدوده فقهی: محدوده مسئولیت مدنی دولت در قبال صدماتی که به مردم از طریق اعلام شرایط اضطراری وارد می‌شود چگونه است؟ به دیگر سخن، آیا دولت و حاکمیت در قبال ضررهایی که به مردم از این طریق وارد می‌شود، ضامن است؟ قاعده احسان شاید مهم‌ترین قاعده‌ای باشد که برای حل این مسأله، عنوان می‌شود، اما علاوه بر تفاوت در مبانی نظرات فقها در صدق عنوان محسن، آنچه در فقه، ذیل این قاعده مطرح شده، ناظر به احسان‌های فردی بوده و تسری آن به جمع و جامعه نیازمند بازنگری در چارچوب نظری قاعده است؛ از دیگرسو، تطبیق این قاعده بر وضعیت کنونی دولت و به کارگیری آن برای حل چالش‌های ملی به موضوع‌شناسی جامعی احتیاج دارد (۳).

سؤال دیگری که ممکن است مطرح شود، این است که چرا دولت در پیامدهای بحران کرونا که نقشی در آن ندارد، باید مسئول شناخته شود و اساساً مبنای فقهی و حقوقی این التزام چیست؟ بررسی مشروعیت ضمان دولت بر پایه مبانی فقهی و حقوقی مورد قبول نظام حقوقی کنونی ما، می‌تواند این ابهامات را مرتفع سازد. تاکنون نظرات مختلفی در این باب ارائه شده است. دولت به عنوان متولی مسائل عمومی جامعه، در مقابل این بیماری که جان و مال مردم را تهدید می‌کند، به جهات مختلفی دارای تکلیف و مسئولیت است. اهمیت این مسأله به لحاظ موضوعی آنجا آشکار می‌شود که برخی دولت‌ها به عمد و یا با سهل‌انگاری، عدم تشخیص درست، عدم اقدام به موقع، عدم ارائه هشدارهای مناسب و یا اعمال ابزارهای حاکمیتی، باعث خسارات جبران‌ناپذیر مالی و جانی به افراد می‌گردند.

از منظر فقه و قواعد حقوقی اسلام، هر شخص حقیقی یا حقوقی در ازای قدرت و اختیار وظیفه‌ای که بر عهده دارد، مسئولیت هم دارد، لذا سؤال اساسی این پژوهش این است که قواعد فقهی و حقوقی اسلام تا چه حد جوابگوی چرایی جبران خسارات ناشی از کرونا توسط دولت خواهد بود؟ به عبارت دیگر قواعد و ادله مسئولیت دولت در مواجهه با این بیماری کدامند؟ بی‌تردید شریعت اسلام نیز برای این مسأله پاسخی مناسب دارد که دستیابی به آن از طریق تتبع در متون فقهی

و آرای فقیهان، با ملاحظه قواعد فقهی و حقوقی، امکان پذیر خواهد بود.

### ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

### روش

این تحقیق از نوع نظری بوده، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

### یافته‌ها

برای تأمین سلامتی مردم، مبانی مناسب و مستدل فقهی - حقوقی برای ایجاد مسئولیت بر ذمه دولت در وجوب پیشگیری و جبران خسارت بیماری کرونا قابل تصور است. با تقسیم مبانی مورد نظر، قاعده عدالت، قاعده حرمت مال مسلمان، حفظ امنیت اقتصادی و نظم عمومی به عنوان مبانی عام و قاعده‌هایی چون لاضرر و اتلاف و تسبیب در شمار مبانی خاص اثبات جبران خسارت، قلمداد شده و مورد استناد قرار گرفته‌اند.

### بحث

۱. **حدود مسئولیت مدنی دولت در حقوق ایران:** علمای حقوق، وظایف دولت را به دو دسته «تصدی‌گری» و «حاکمیتی» تقسیم نموده‌اند. در اعمال حاکمیتی، دولت در مقام استفاده از حق حاکمیت و اقتدار ملی است و تنها نفع عموم را در نظر دارد و برای اجرای وظایف خود در نقش آمر و فرمانده ظاهر می‌شود، ولی در اعمال تصدی‌گری، دولت به کارهایی می‌پردازد که مردم نیز در روابط خصوصی انجام می‌دهند (۴).

در حقوق ایران، مسئولیت مدنی دولت به طور مطلق نمی‌باشد، بدین معنی که در مورد اعمال تصدی‌گری، دولت مسئول خساراتی است که به افراد وارد می‌کند و دلیلی بر سلب

مسئولیت دولت وجود ندارد، البته در حقوق کشور ما اصولاً مسئولیت مدنی، مبتنی بر تقصیر است و تقصیر دولت در مورد اعمال تصدی‌گری که موجب خسارات شده، باید اثبات شود.

ولی در مورد اعمال حاکمیتی، قانونگذار نظریه عدم مسئولیت دولت را پذیرفته است، همانطور که در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی آمده است: «هرگاه اقداماتی بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.» مسئولیت مدنی دولت در قانون اساسی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی آمده است که بیان می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد» (۵).

در مقام نقد باید گفت مفهوم تقصیر و اشتباه در اصل مذکور روشن نیست و همین امر سبب اختلاف نظر بین اساتید و نظریه‌پردازان حوزه مسئولیت مدنی شده و از قلمروی اعمال این اصل کاسته است و از طرف دیگر، با تصویب قانون مجازات اسلامی مورخ ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که از تاریخ اول تیر ۱۳۹۴ لازم‌الاجرا شده است، بحث مسئولیت مدنی قضات وارد مرحله جدیدی شده است و قانونگذار مسئولیت دولت و بیت‌المال را در برابر زیان‌دیده پیش‌بینی کرده که خود تحول مهمی قلمداد می‌شود و لازم است رابطه و منافات یا عدم منافات آن با حکم مقرر در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مبانی فقهی مربوط تبیین شود و قلمروی مواد ناظر بر حوزه مسئولیت تصمیم‌گیرندگان قضایی در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری مورد تحلیل قرار گیرد تا اجرای آن برای مجریان قانون تسهیل شود (۶). گویی قانونگذار در ماده ۲۵۹ قانون مذکور، با رویکردی نوین به منظور تضمین حقوق زیان‌دیده، همان حکمی را پذیرفته که کشورهای پیشرفته با گذشت زمان به آن رسیده‌اند و دولت را مسئول جبران خسارت دانسته و حق رجوع به قاضی مقصر

نظریه فورس‌ماژور در مسئولیت مدنی دولت نموده است. با تعریفی که از بلایای طبیعی و فورس‌ماژور بیان شده است، می‌توان به این نتیجه رسید که نمی‌توان دولت را برای بروز بلایای طبیعی و غیر قابل پیش‌بینی همچون کرونا زیر سؤال برد، بلکه فقط می‌توان عملکرد و نقش مسئولان دولتی را برای مسائل و تصمیمات بعد از حادثه غیر قابل پیش‌بینی، بررسی کرد و در صورت کم‌کاری یا سهل‌انگاری آنان را مؤاخذه کرد.

**۲. بررسی تقصیر دولت در ارتباط با بیماری کرونا:** اگرچه دولت اقدامات بسیاری در مبارزه با این بیماری، نظیر اعلام هر روزه آمار مبتلایان، ارسال پیامک‌های آموزشی و هشداردهنده، اعمال محدودیت‌ها و... انجام داده است، اما این عملکرد بعضاً با انتقاداتی رو به رو شده است، به گونه‌ای که برخی کارشناسان از قصور و عدم اقدام به موقع دولت سخن گفته‌اند (۹). این عده نخستین اهمال دولت را در خصوص عدم بستن به موقع مرزهایی هوایی با چین می‌دانند؛ اهمالی که معاون وزیر بهداشت به عدم انجام آن (با وجود درخواست جدی وزیر بهداشت)، اذعان نموده است و این در حالی است که تکلیف دولت به اعلام سریع و به موقع ورود این ویروس در کشور نه تنها مبتنی بر قوانین موضوعه است، بلکه از حمایت قواعد فقهی نیز برخوردار است. در این راستا می‌توان از قاعده تحذیر سخن گفت. با این توضیح که «اگر فرد در مقام انجام کاری، سایرین را از وجود خطری که ممکن است آنان را دچار خسارت مادی یا جانی نماید، آگاه کند و به نحو مقتضی هشدار دهد و دریافت‌کننده هشدار با وصف اطلاع، خود را در معرض خطر قرار دهد، هشداردهنده معذور خواهد بود» (۱۰). اهمال دوم دولت در خصوص عدم اعلام سریع و به موقع ورود ویروس به کشور است. در این موضوع نیز معاون وزیر بهداشت گفته است: «این ویروس از قبل وارد ایران شده بود، ما چون همزمان، اپیدمی آنفلوانزا هم در کشور داشتیم، خیلی از این موارد تصور می‌شد آنفلوانزای H1N1 است. چین هم اعلام نکرده بود و قطعاً ما هم باید هوشیارانه‌تر عمل می‌کردیم. فکر می‌کنم قدری تأخیر در اعلام داشتیم. به دلیل اینکه اطلاع نداشتیم و فکر نمی‌کردیم این‌گونه باشد» (۱۱).

را در صورت ارتکاب تقصیر عمدی یا سنگین، محفوظ داشته است، لیکن حکم مذکور در مورد خسارت ناشی از حبسی است که به حکم براءت یا قرار منع تعقیب بینجامد.

تعمیم این حکم به سایر مواردی که خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم یا تطبیق حکم بر موضوع باشد، موجب تأمین هرچه بیشتر حقوق زیان‌دیده و همگام با هدف مسئولیت مدنی که همان جبران خسارت کامل از زیان‌دیده است، خواهد شد، لذا شایسته است قانونگذار در این زمینه مداخله کند و با وضع قانونی مناسب که با قانون اساسی هم میبایست ندارد گامی مؤثر در راه حمایت بیشتر از حقوق زیان‌دیده بردارد (۷)، اما مسأله اصلی این است که این حقیقت در مورد خسارات ناشی از کرونا هم اعمال می‌شود؟

گاهی دولت به صورتی رفتار نموده است که در مقام عمل، اجرای قوانین مسئولیت مدنی به فراموشی سپرده شده و امور دیگر، بر مسئولیت مدنی دولت اولویت یافته است. این نوع مسئولیت در حالی مطرح می‌گردد که ادله فقهی و روایات (۸) وارد شده در باب خطای قاضی، مطلق بوده و منحصر در مورد یا موارد خاصی نیست. تاریخ حقوق اسلام نیز نشان می‌دهد که در نظام حقوقی و مذهبی ما، صاحب حق (اعم از دولت و غیر آن) در اضرار به دیگران آزاد نبوده است. دولت که به نمایندگی از شهروندان اداره امور کشور را با اتکا به آرای عمومی با امکانات و توان عظیم مالی و انسانی بر عهده دارد، تعهداتی را به موجب قانون اساسی، قوانین عادی و میثاق‌های جهانی متقبل شده است که از زمره این تعهدات می‌توان به تعهدات دولت در تضمین ایمنی زندگی شهروندان ایرانی و حفاظت از جان، مال و عرض آن‌ها، رفع ضرر، بهبود و کاهش آثار حوادث طبیعی، پیش‌بینی‌های لازم را برای جلوگیری از بروز حوادث و به حداقل رساندن آثار آن‌ها و برنامه‌ریزی منظم و منسجم برای آینده کشور در این حوزه اشاره نمود.

بدین ترتیب به روشنی این وضعیت موجد تعهداتی برای دولت جمهوری اسلامی در قبال شهروندان ایرانی به استناد اصول ۲۴، ۴۰، ۴۵، ۵۰ و ۶۰ قانون اساسی، ماده ۲ قانون سازمان مدیریت بحران کشور و ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی است. در قانون مدنی ایران صراحتاً در مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ اشاره به

اطلاع‌رسانی گسترده آموزشی و آگاهی مردم، توزیع مواد لازم ضد عفونی‌کننده، تجهیز مراکز پزشکی و کنترل مسافران یا کالاهای وارداتی خصوصاً از مراکز شیوع بیماری و... را انجام دهد (۱۵). نتیجه ترک فعل دولت در این موارد با استناد به مواد ۹۵۲ قانون مدنی و ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، اثبات مسئولیت خواهد بود.

همچنین در مقررات سازمان جهانی بهداشت (۲۰۰۵ م.) که ایران در سال ۱۳۲۷ بدان پیوسته و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که ایران در سال ۱۳۵۴ بدان ملحق شده، الزامات و تعهدات دولت‌های عضو در خصوص بهداشت با تفصیل بیشتری بیان شده است. در ماده ۱۲ میثاق تصریح شده است که دولت‌های طرف این میثاق، حق هر کس را به بهره‌مندی از بهترین حال سلامت جسمی و روحی قابل دستیابی، به رسمیت می‌شناسند (۱۳).

### ۳. توجیه مسئولیت مدنی دولت بر پایه مبانی خاص

۳-۱. **قاعده لاضرر:** قاعده نفی ضرر یا قاعده لاضرر از مهم‌ترین قواعد فقه اسلامی است و در همه ابواب فقه از عبادات تا معاملات به آن استدلال می‌شود. مهم‌ترین دلیل آن روایات مأثوره است (۱۶) و روایت معروف آن از پیامبر اسلام (ص) با عبارت «فإنه لاضرر و لا ضرار» آمده است (۱۷). برخی معتقدند قاعده لاضرر از مبانی مهم مسئولیت مدنی اشخاص در حقوق اسلام است (۱۸) و برخی دیگر از جمله شیخ انصاری نظر مخالف دارند.

در خصوص مفهوم قاعده لاضرر تاکنون نظرات متفاوتی از سوی فقهای امامیه ابراز شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: نهی از ضرر و حرمت آن (نهی تحریمی)، نهی حکومتی و سلطانی، نفی حکم ضرری، نفی ضرر غیر متدارک و نفی حکم به لسان نفی موضوع ضرری (۱۹) که در ذیل به توضیح آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. **نهی تحریمی:** مرحوم شیخ الشریعه بر این باورند که از نفی ضرر و ضرار، اراده نهی شده است، به این معنا که شارع مقدس ضررزدن را حرام نموده است. بنابراین مفهوم این روایت بیان حکم تکلیفی و نه وضعی است. این نظریه با

اهمال سوم در ارتباط با عدم کنترل و چاره‌جویی مؤثر در مبارزه با این ویروس است. این موضوع باعث شد که در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۹۸، پنج وزیر بهداشت پیشین کشور (علیرضا مرندی، مسعود پزشکیان، کامران باقری لنگرانی، مرضیه وحید دستجردی و محمدحسن طریقت منفرد) و هفده استاد پزشکی در نامه‌ای به رییس‌جمهور با اشاره به شمار بالای موارد بیماری و تلفات ناشی از آن نوشتند: «در صورت عدم کنترل بیماری و چاره‌جویی مؤثر، افزایش تلفات و خسارات قطعی است.» همچنین نامه صد نماینده مجلس به رییس‌جمهور و تقاضای پذیرش مسئولیت مدیریت ستاد ملی مبارزه با کرونا، نشان‌دهنده کافی نبودن اقدامات دولت است. ایشان در این نامه اعلام کردند: «نظر به شیوع بیماری کرونا و لزوم هماهنگی سریع همه دستگاه‌ها در کشور برای مدیریت پیشگیری و درمان آن، تشکیل روزانه ستادی به ریاست شما ضروری است» (۱۲). به نظر این عده به علت تعلل و اهمال صورت‌گرفته، دولت باید بر مبنای اصل مسلم حقوقی «تکلیف به بیان دلایل، اقدامات و تصمیمات»، درباره عدم اقدام به موقع، تأخیر و یا اهمال خود و نهادهای ذی‌ربط، به مردم و شهروندان، پاسخگو و مسئول باشد (۱۳).

دولت‌ها، چه به صورت انفرادی و چه به صورت جمعی، مسئولین اصلی تضمین حق بر سلامت هستند. دولت‌ها مکلف‌اند تا بیمارستان‌ها و مراکز خدمات درمانی را به طور کامل تجهیز نمایند. اگر بیمارستان‌ها و مراکز خدمات درمانی بیش از حد شلوغ باشد، چنین وضعیتی موجب شیوع بیماری کرونا شده و می‌تواند موجب نقض حق بر سلامت گردد (۱۴)، چنانچه تأخیر در اتخاذ سیاست‌ها یا اقدامات پیشگیرانه و یا عدم کاربرد مؤثر و به موقع اقتدار عمومی و حاکمیتی در مبارزه با بیماری ویروس کرونا، منجر به جان‌دادن افراد بی‌گناه شده باشد و یا منتهی به استمرار تعطیلی غیر ضروری کسب و کارها گردیده باشد، عدالت اقتضا می‌کند چنین صدمات و خساراتی از سوی دولت بدون جبران رها نشوند.

طبیعی است از منظر فقهی - حقوقی، به عنوان اقدام مناسب، حاکمیت باید اقدامات پیشگیرانه نظیر مسدود کردن مرزها،



لزوم بیع غبنی و وجوب وضوی ضرری جعل نشده است. همینطور، مباح بودن اضرار به غیر نیز حکم ضرری است که در شرع نفی شده است. به عبارت دیگر قاعده لاضرر تنها حکم ضرری را از میان برمی‌دارد و هرگز حکمی را که از نبودش زبانی پدید می‌آید، اثبات نمی‌کند. همچنین ضمان، جبران کردن زبانی است که در خارج پدیدار گشته است. این قاعده، جبران زیان را اثبات نمی‌کند، بلکه تنها خود زیان را با برداشتن سبب و سرچشمه قانونی آن در شرع، از میان بر می‌دارد (۲۲).

در رد نظرات فوق دلایل بسیاری آورده شده است، ولی اکثر فقها معتقدند که نقش این قاعده، نفی حکم ضرری است نه اثبات حکم و به تعبیر دیگر، قاعده «لا ضرر» نقش بازدارنده دارد، نه نقش سازنده، چون اگر «لاضرر» نقش اثباتی در احکام داشته باشد، لازم می‌آید که فقه جدیدی تأسیس شود (۲۳). بنابراین باید با مشهور فقهای امامیه هم عقیده شد و بر این نظر بود که به موجب قاعده لاضرر، حکمی که متضمن ضرر است، تشریح نشده و لاضرر چنین حکمی را نفی می‌نماید، ضرری که از حکم برمی‌خیزد (خواه مادی باشد یا معنوی، خواه تکلیفی باشد یا وضعی، خواه ضرر منشأ حکم مادی باشد یا معنوی و اعم از اینکه در مقام اعمال حق باشد) (۲۴).

پس به طور کلی درباره نقش قاعده لاضرر در اثبات مسئولیت مدنی دولت با دو دیدگاه مواجه هستیم: ۱- دیدگاه اول که معتقد است بر مبنای نظر مشهور فقها، ضرر و سوءاستفاده از حق از قواعد معده و زمینه‌ساز در حوزه مسئولیت مدنی است و خود مبنای جداگانه‌ای برای حکم به جبران خسارت محسوب نمی‌شود و بر این اساس استناد به قاعده لاضرر برای حکم به جبران خسارت موجه نیست و برای ازاله آثار موجود یا حکم به جبران خسارت باید به قواعد عمومی مسئولیت مدنی مراجعه کرد، زیرا اعمال قاعده لاضرر و نفی حکم جواز اجرای حق در حالت سوءاستفاده، نشان می‌دهد که گرچه صاحب حق در ظاهر حق خود را اعمال کرده و به آن تمسک جسته، در واقع حقی نداشته است (۲۵)؛ ۲- دیدگاهی که معتقد است قاعده لاضرر از مبانی مهم مسئولیت مدنی اشخاص در حقوق اسلام است و این قاعده را با استفاده از مقدمات ذیل در شمار

ایرادات فراوان رو به رو شده است، زیرا استعمال لای نفی جنس به معنای نهی، مرسوم و معهود نیست (۲۰). فقها نیز در بسیاری از ابواب فقه از جمله خیار غبن و عدم وجوب وضو یا روزه یا حج ضرری به قاعده لاضرر استناد کرده‌اند که با اراده نهی از نفی، سازگاری ندارد.

۳-۱-۲. **نهی حکومتی و سلطانی:** امام خمینی (ره) معتقدند مراد از لاضرر و لاضرر نهی از اضرار است، اما نه به معنای نهی الهی، بلکه به معنای نهی سلطانی و حکومتی.

۳-۱-۳. **نفی ضرر غیرمتدارک:** طبق این دیدگاه ضرر و اضرار در صورتی تحقق می‌یابد که در برابر آن تدارک و جبرانی نباشد، زیرا ضرری که در برابر آن نفعی وجود دارد، ضرر محسوب نمی‌شود. همینطور وقتی در کنار ضرر، حکم شارع بر تدارک آن نیز موجود باشد، وجود این ضرر به منزله عدم است و گویا ضرری وجود ندارد. پس، مراد نفی وجود ضرر بدون تدارک است. از این رو هرگاه ضرری محقق شد، باید همراه با لزوم تدارک باشد (۲۱).

۳-۱-۴. **نفی حکم به لسان نفی موضوع:** صاحب کفایه بر این باور است که لای نفی جنس برای نفی طبیعت چیزی به کار می‌رود. نفی طبیعت گاهی حقیقت است، مثل «لا رجل فی الدار؛ جنس مردی در خانه نیست» و گاه به صورت ادعایی کنایه از نفی آثار مانند «لا صلوه لجار المسجد الا فی المسجد»، بدین معنی که می‌توان ادعا کرد که نماز همسایه مسجد در خانه، آثار کمال نماز را ندارد. حدیث لاضرر از قسم اخیر است و به معنی نفی حکم ضرری است، ولی حکمی که از نفی آن نفی ضرر اراده شده است. با این توضیح که نفی ضرر آن حکمی را دفع می‌کند که برای فعلی ثابت شده است.

۳-۱-۵. **نفی حکم ضرری:** گرچه در ادوار مختل فقه، اندیشه نفی حکم ضرری مورد توجه فقها بوده است، ولی نخستین بار ملا احمد نراقی، استاد شیخ انصاری، آن را تحت قاعده درآورد و پس از ایشان شیخ انصاری به تقویت آن هم گماشت. شیخ انصاری نیز معتقد است منظور از این حدیث، نفی آن حکم شرعی است که عمل به آن ضرری بر بندگان وارد آورد، به این معنی که در اسلام حکم ضرری، از قبیل

زنده از تدارک ضمان، ضرری است که با روایت برداشته می‌شود (۲۹). به این ترتیب حکم به جبران خسارت بهترین راه برای جلوگیری از ضرر است و ضامن نبودن دولت نسبت به خسارت‌هایی که به مردم در اثر عملکرد ایشان وارد می‌گردد، حکمی است ضرری و موجب فشار و زیان بر افراد جامعه است.

**۲-۳. قاعده اتلاف و تسبیب:** یکی دیگر از قواعد فقهی که از مدارک و مبانی اصلی ضمان به شمار می‌رود قاعده اتلاف است که منظور از آن به طور اجمال این است: هرگاه کسی مال دیگری یا منافع مترتب بر آن را بدون اذن صاحبش تلف نماید، در برابر صاحب آن ضامن و مسئول خواهد بود. مال نیز در اصطلاح چیزی است که به علت منافع واقعی یا اعتباری آن مورد رغبت عقلا بوده و در مقابل آن عوضی پرداخت می‌شود (۳۰).

عبارات و تعابیر فقها در این مورد فراوان است و از مجموع آن‌ها این مطلب به دست می‌آید که اتلاف موجب ضمان است. بنابراین اگر شخصی حقیقی یا حقوقی موجب اتلاف مال گردد، باید جبران خسارت صدق کند. مفاد قاعده اتلاف اطلاق دارد و شامل هرگونه زبانی می‌گردد که به سایرین وارد می‌آید و این امر را می‌توان از اطلاق قاعده «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» دریافت نمود (۳۱).

در فقه اسلامی، اتلاف به مباشرت و تسبیب تقسیم شده است. در اتلاف به مباشرت، شخص، مباشر تلف است نه مسبب آن و در تمیز مباشر از زمینه‌سازان تلف، بهترین معیار، عرف است که قضاوت می‌کند آیا رابطه کار زبان‌بار و تلف مال رابطه‌ای مستقیم و بی‌واسطه است یا خیر؟ بنابراین در تحقق اتلاف، کافی است که رابطه علیت بین فعل شخص و تلف مال موجود باشد. غیر عمدی بودن اتلاف مانع ایجاد مسئولیت نیست و تقصیر تلف‌کننده از عناصر آن به شمار نمی‌رود (۳۲)، پس اگر مثلاً دولت در مهار بحران کرونا تقصیر نداشته باشد، ضامن است. برخی فقها بر این عقیده‌اند که قاعده اتلاف فقط در مورد از بین رفتن اموال جریان می‌یابد. در فقه، مسائلی وجود دارد که به وضوح نشان می‌دهد در جایی که مال موجود تلف نشده، ضمانی هم در میان نیست (۳۳)، لذا به زعم این افراد

متقن‌ترین ادله مسئولیت دولت به شمار می‌آورد: اولاً ظاهر معنای این حدیث نفی وجود ضرر و اضرار بین مکلفین است، بدین معنا که فعل ضرری وضعی و تکلیفی امضا نشده است و در صورت وقوع، ضمان دارد؛ ثانیاً در شمول قاعده لاضرر بین امور وجودی (فعل) و عدم (ترک فعل) فرقی نیست و ترک فعل در مواردی که انتظار انجام فعل می‌رود، باعث می‌شود که لوازم آن را به تارک فعل نسبت دهیم و وجودی بودن فعل، در این انتساب شرط نیست. همچنین اگر به دلالت لفظی شامل عدمیات نشود، لاقلاً با تنقیح مناط، و الغای خصوصیت و مناسبت حکم و موضوع، می‌توان دلالت آن را پذیرفت (۱۹)؛ ثالثاً نزاع اصلی در مفاد قاعده لاضرر ناشی از تکیه بر مدرک روایی آن است در صورتی که می‌توان بر مبانی عقل مستقل، به تحلیل مفاد آن در دو بعد حرمت اضرار به غیر و نیز تدارک ضرر پرداخت (۲۶)؛ پس با شمولیت عنوان عام لاضرر بر اشخاص حقوقی - گفتیم ضرر و اضرار بین مکلفین است - و نیز دلالت مفاد آن بر امور وجودی و عدمی و همچنین در برگرفتن گستره احکام تکلیفی (حرمت ضرر و اضرار) و احکام وضعی (ضمان و جبران خسارت)، می‌توان بر تئوری‌سازی برای تعریف مسئولیت دولت در بحران کرونا استدلال کرد (۲۷).

به عبارت دیگر با قاعده لاضرر به عنوان یکی از مبانی مسئولیت مدنی، نمی‌توان حکم به لزوم جبران ضرر از ناحیه عامل را نمود، ولی از آن‌جا که لاضرر، امضا قاعده عقلایی در جلوگیری از ضررزدن به دیگران است و با دقت در فروعات و مسائل ارائه‌شده در باب قاعده لاضرر و اینکه هرگونه ضرر در دایره تشریح، نفی گردیده، می‌توان گفت: تدارک ضرری که وارد شده، از فروغ و لوازم نفی حکم ضرری است؛

پس به نظر می‌رسد قاعده «لاضرر» علاوه بر رفع احکام ضرری وجودی، اثبات حکم عدمی نیز می‌کند، زیرا اثبات ضمان یکی از فروعات نفی حکم ضرری است و اگر ضرر به وسیله عامل ضرر جبران نشود و زیان‌دیده متحمل ضرر گردد، با مفهوم لاضرر در تعارض است، چنانکه برخی از فقها (۲۸) برای اثبات ضمان در مواردی که قاعده لاضرر استناد جسته‌اند. شیخ انصاری نیز این مطلب را پذیرفته و می‌گوید: برائت ذمه ضرر



ملازمه، حکم شرعی هم است و از سوی دیگر، به یقین، شارع راضی به آنچه نظام زندگی و معیشت مسلمین را مختل می‌کند، نیست. به طور خلاصه این قاعده مفید و خوب فعل و حرمت ترک هر امری است که حفظ نظام انسانی منوط به آن است (۳۶).

بر اساس این تقریر از قاعده، می‌توان به دو نحو در جهت اثبات مسئولیت دولت استناد کرد: ۱- عدم اقدام مناسب و به موقع دولت در پیش‌بینی و پیشگیری و ویروس کرونا، عدم ایجاد زیرساخت‌های لازم، عدم تأمین منابع انسانی و مالی مقتضی در مواجهه با حادثه و همچنین انجام اقدامات غیرمفید و تصمیمات تشدیدکننده و... در بحران کرونا موجب اختلال نظام معیشت انسانی و بلکه فروریختن اجتماع آنان می‌شود و این فعل و ترک تکلیف، حرام و به تبع آن، آثار وضعی بر عهده دولت حاصل می‌شود؛ ۲- برخی بر اساس همین قاعده، خطای حاکم را، خطای دولت تلقی نموده و مسئولیت آن را بر عهده دولت دانسته‌اند، زیرا وجود ضمان بر مال شخصی حاکم، موجب آن می‌شود که کسی اقبال به امور حکومتی نداشته باشد و به این واسطه، اختلال نظام لازم می‌آید و باب استیفای حقوق انسان‌ها بسته می‌شود، چنانکه شیخ جواد تبریزی در مورد لزوم پرداخت خطای قاضی از بیت‌المال گفته‌اند: «تمی‌توان قائل به ضمان شخص حاکم و یا وکیل او شد، زیرا چنین امری منجر به بسته‌شدن اجرای حد و ترک حکم کردن بر اساس شهادت افراد و استیفای حقوق آنان می‌شود» (۳۷). روشن است خصوصیتی برای قاضی نیست و شامل خطای کارگزاران دیگر حکومتی و یا شخص حاکم نیز می‌شود و گفته شده عدم ثبوت ضمان بر حاکم، امری اجتماعی و عقلایی است و عقلاً در امور خودشان، به خاطر حفظ نظام و واقع‌نشدن در هرج و مرج آن را پذیرفته‌اند (۳۸).

**۳-۴. تطبیق ادله بر بیماری کرونا و مسئولیت دولت:** مطابق قاعده لاضرر، ضرر و ضرار بین مکلفین نفی شده است و عنوان عام لاضرر شامل اشخاص حقوقی (دولت) می‌شود و از سویی بین امور وجودی و عدمی فرقی نیست و مفاد این قاعده گستره احکام تکلیفی و وضعی را دربر می‌گیرد. اینک بر اساس

مسئولیت مدنی دولت بر اثر کرونا، شامل لطمه به جان افراد نمی‌شود.

با توجه به مطالب فوق و این که شارع مقدس و سیره عقلا تأکید بر جبران خسارت می‌نماید، مسئولیت دولت اثبات گردیده و دولت مسئول جبران خسارت می‌شود، در نتیجه وزیران، نمایندگان مجلس، رؤسای ادارات خاص، اگر به وظایف خود در قبال بحران کرونا عمل نکنند ضامن هستند و فرقی بین مباشر و سبب نیست. بنابراین دولت در برابر اقداماتی چون عدم اطلاع‌رسانی درست و عدم کنترل مؤثر، مسئولیت خواهد داشت.

بر اساس قاعده تسبیب (اتلاف به تسبیب) هر کس سبب اتلاف مال دیگری شود ضامن و مسئول جبران خسارت وارده است. اصل بر این است که در تسبیب، شخص به کاری دست می‌زند که تقصیر داشته باشد و بار اثبات تقصیر بر عهده زیان‌دیده است (۴). قاعده تسبیب در واقع گسترش‌دادن موضوع قاعده «من أتلف» و معین‌کردن آن در سبب است و قاعده‌ای جدا در برابر آن نیست (۳۴)، اما نکته قابل توجه در مسئولیت مدنی دولت بر مبنای قاعده سببیت این است که هم مفهوم ایجابی و هم مفهوم سلبی آن باید در نظر گرفته شود، چراکه مسئولیت مدنی دولت در مفهوم سلبی آن از چنان گستردگی برخوردار است که تمام ضرر و زیان‌های ناشی از عدم انجام وظایف و تعهدات قانونی و شرعی را دربر می‌گیرد. لازم به ذکر است که یکی از مشکلاتی که در این مسأله وجود دارد، این است که علاوه بر اثبات وجود ضرر، باید رابطه سببیت بین تقصیر دولت و ضرر ثابت شود؛ در فرض مسأله، باید ضمن بررسی عوامل مختلف خسارت ناشی از بحران کرونا، احراز شود که تقصیر دولت باعث بحران شده است (۳۵).

**۳-۳. قاعده وجوب حفظ نظام:** مفاد این قاعده مستفاد از حکم عقل، حرمت اخلال در نظام و وجوب حفظ شرعی آن است. ابتدای آن بر حکم عقل این‌گونه است که عقل مستقل حکم می‌کند به قبح هر آنچه موجب اختلال نظام نوع انسانی و به هم‌ریختن قوام معیشت و ازهم‌پاشیدگی اجتماع آنان و نیز هر فعلی که حفظ این نظام متوقف بر آن است و بنا به قاعده

شهید مطهری در تعریف عدالت اجتماعی می‌گوید: «عدالت اجتماعی به معنای رعایت مساوات در جعل قانون و در اجرای آن است؛ ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان و رفع موانع برای همه به طور یکسان، و در عمل برای افراد تبعیض و تفاوتی قائل‌نشدن» (۴۱)؛ بنا بر این تعاریف باید گفت اگر دولت و حکومتی بتواند عدالت اجتماعی را به نحو صحیحی در جامعه اجرا کند، در واقع همان تأمین اجتماعی افراد را بر عهده گرفته است و باید گفت که هدف نهایی از عدالت اجتماعی همان تأمین اجتماعی است. به عبارت دیگر یکی از پایه‌های تأمین اجتماعی، کفالت دولت است (۴۲).

بنابراین قاعده عدالت، از جمله اصول کلی خدشه‌ناپذیر است که اغلب در فقه به آن استناد می‌شود و همه اشخاص حقیقی و حقوقی صرف نظر از تعداد زیان‌دیدگان، در برابر این قاعده برابرند. دیدگاه شرع آن است که آنچه نزد شما ظلم محسوب می‌شود، حرام است. آیاتی که می‌گوید «ظلم نکنید» و «بین خودتان به عدل رفتار کنید» بدون هیچ شکی حکم ضمان را اثبات می‌کند. پس اگر ترک کاری ظلم باشد، طبعاً فعل آن واجب است (۴۳).

با وجود این اصول کلی، نیازی به بیان شارع در حکم هر چیزی و به صورت موردی و خاص نیست و ذکر مواردی در کتاب و سنت، فقط به عنوان مصداق بوده و در مقام حصر حکم به موارد بیان‌شده، نیست. قرائن اثبات می‌کند که عرف، عدم ضمان دولت را در شرایطی که بحران کرونا منسوب به اعمال دولت و کارکنانش باشد ظلم تلقی می‌کند. پس اگر اثبات شود، دولت در کاهش خسارات ناشی از کرونا مقصر است و از این طریق افرادی متضرر گردند، طبق قاعده عدالت ملزم به پرداخت خسارت است، در نتیجه حکم به «عدم ضمان دولت» در مواردی که خود عامل ایجاد ضرر است، با اصل قسط و عدل سازگاری ندارد (۴۴).

**۴-۲. قاعده حرمت مال مسلمان:** اصل دیگری وجود دارد که می‌گوید: «حرمة مال المسلم کحرمة دمه» (۴۵). این روایت مورد تأیید فقهای شیعه و سنی است و هر دو گروه آن را نقل کرده‌اند و حفظ جان و مال مسلمانان را جزء اصول

این تقریر، اگر دولت در مقام اعمال حاکمیت، هرگونه فعل یا ترک فعلی در موضوع بیماری کرونا داشته باشد که از قبل آن ضرر به جسم و حیثیات فردی افراد وارد شود، ملزم به جبران خسارت خواهد بود.

مطابق قاعده وجوب حفظ نظام، اخلال در نظام حرام و حفظ آن شرعاً واجب است، لذا رعایت هر فعل یا ترک فعلی که حفظ نظام منوط به آن است، ضروری است. با این نگاه در مواجهه با بیماری خطرناک و ناشناخته و واگیری کرونا، عدم اقدام به موقع و مناسب، عدم اعمال روش‌های پیش‌بینی و پیشگیری، عدم ایجاد زیرساخت‌های لازم انسانی و غیر انسانی و... موجب اختلال نظام معیشت انسانی و فروریختن اجتماع انسانی و خسارات متعدد جانی و مالی و جسمی خواهد شد که طبق مفاد قاعده مزبور، این اختلال، ضمن عارض شدن حرمت تکلیفی، موجب آثار وضعی نیز خواهد شد (۳۱).

مطابق قاعده تسبیب، در موضوع بحران کرونا، چنانچه سببیت دولت در ایجاد ضرر اثبات شود، یعنی دولت بدون در نظر گرفتن مصلحت عمومی و در راستای اهداف غیر حاکمیتی، اقدام‌ها و برنامه‌های خاص و غیر کارشناسی داشته باشد یا با تصویب مقطعی مصوبه‌های قانونی در زمینه‌های اقتصادی یا سیاسی و یا غیر آن، موجبات دامن‌زدن به بحران کرونا را فراهم نماید و مردم را دچار ضرر و زیان کند، ملزم به جبران این خسارات است.

#### ۴. توجیه مسئولیت مدنی دولت بر پایه مبانی عام

**۴-۱. قاعده عدالت اجتماعی:** یکی از وظایف دولت اسلامی در راستای تأمین اجتماعی، اجرای عدالت اجتماعی است، موضوع عدالت آنطور که باید در کتب فقهی مورد توجه فقهای اسلامی قرار نگرفته است (۳۹). تأمین عدالت اجتماعی یکی از دلایل بعثت انبیا الهی و ارسال کتب آسمانی است. عدالت اجتماعی به معنای دادن حق به صاحبانش، به تناسب حوزه‌های مختلف حقوق، مشتمل بر عدالت سیاسی، عدالت قانونی و عدالت اقتصادی است (۴۰). بنابراین دولت و حاکم اسلامی باید بتواند زمینه‌ای را فراهم کند تا همه مردم بتوانند به حقوق خود برسند.

بدیهی است که غالب قوانین، جنبه اجتماعی دارد و مصلحتی عام در وضع آن، مد نظر قانونگذار بوده است (۴۷). وجود نظم و انضباط در جوامع مدنی امری حیاتی است و قانون، وسیله ضروری این مهم است. حکومت‌ها برای حفظ نظم عمومی و آرامش اجتماعی ناچار به وضع قواعدی هستند تا روابط شهروندان به گونه‌ای تنظیم شود که هر کس، بدون ایجاد تهدید برای منافع دیگران، از امتیازهای خویش بهره گیرد. قانون در ایفای چنین نقشی آنگاه کارایی دارد که همگان به ویژه افراد حکومتی در هر رده‌ای خود را ملزم به رعایت آن کرده و کارهای خود را بر آن منطبق سازند، زیرا وجوب رعایت مقررات عبور و مرور در سطح خیابان‌ها و جاده‌ها مقدمه برقراری نظم در جامعه و حفظ جان شهروندان است.

فلسفه بسیاری از قواعد، از جمله قاعده فراش، قاعده سوق، قاعده احسان، قاعده ید، قاعده اتلاف، همان فلسفه کلی تشریح احکام و نظام قانونگذاری عام یعنی نظم عمومی و ممانعت از اختلال و هرج و مرج در امور اجتماعی است. اهتمام شارع به نظم عمومی به عنوان فلسفه احکام به قدری مشهود است که اگر اجرای خود احکام نیز در بعضی شرایط مستلزم ایجاد هرج و مرج و بی‌نظمی باشد، شارع با ایجاد قاعده فقهی مانع از اجرای آن حکم می‌شود. مفاد و مضمون قاعده نفی عسر و حرج، رفع حکم اولیه حرجی در شرایط ویژه است و لاضرر از این نوع است (۴۸).

بی‌نظمی در مسائل بحران‌زا یکی از عوامل مخل بر نظم عمومی است. بر همین اساس، دولت‌ها برای تأمین عدالت اجتماعی، نظام مدیریت بحران را دنبال می‌کنند، لذا مانع عرضه داروها و مواد غذایی ناسالم و غیر بهداشتی به مردم می‌شوند، محتکر را سخت کیفر می‌دهند و بر مسئولیت تولیدکنندگان کالاهای خطرناک می‌افزایند و مسئولیت محض تولیدکنندگان را طرح می‌نمایند. تقریباً تمام این امور، جای خود را در مجموعه قوانین به دست آورده‌اند (۴۹). در اثر پیدایش ضرر، وضعیت افراد جامعه تغییر می‌یابد، قانون برای برقراری نظم اجتماعی، به حمایت متضرر آمده و جبران خسارت را از ناحیه فاعل آن لازم می‌داند و در این امر سعی و

مسلمه می‌دانند. بر والی و حاکم واجب است که خون و مال مسلمانان را حفظ کند و دولت مسئول خون ریخته شد، خواهد بود و لازم است از فراهم شدن زمینه این‌گونه اعمال جلوگیری نماید تا این که مردم از جهت جانی و مالی تأمین کامل داشته باشند. در مورد کبرای قضیه شبه‌های وجود ندارد، اما در بحث صغری باید متذکر شد که مقتضای حرمت مال مسلم (بلکه مال غیر مسلم که در پناه اسلام زندگی می‌کند) تنها حکم تکلیفی نیست، بلکه حکم روایات خاصه مثل «من أضرَّ بطریق المسلمین فهو له ضامن» استفاده می‌شود و هر جا که اضرار صدق کند، ضمان هم هست، پس جایی که مالی محترم است در صورت اتلاف و تعدی به آن، جبران آن لازم است و جبران خسارت وارده بر مال محترم، احترام به آن مال محسوب می‌شود. حال تفاوتی نمی‌کند این مال توسط چه کسی مورد تعدی یا تلف و یا نقصان واقع شود، به یقین حکم وضعی اثبات می‌شود، حتی اگر ضایع‌کننده مال دولت باشد.

اگر دولت با سیاست‌ها و اقدامات خود، جان و مال افراد را مورد تعدی و در نتیجه نقصان قرار دهد و یا قبل از هر اقدام مصلحت‌جویانه‌ای، هشدارهای لازم به افراد را نداشته باشد، مصداق از بین بردن احترام جان و مال مسلم است (۴۴) که یکی از موارد آن می‌تواند کم‌کاری دولت در مواجهه با بحران کرونا باشد که باعث ایجاد مسئولیت مدنی خواهد شد.

**۳-۴. قاعده نظم عمومی:** اصل نظم عمومی در فقه و حقوق، اصطلاح شناخته‌شده‌ای است و متون فقهی (۴۶) و حقوقی بسیاری، دربردارنده این واژه است و تعریف‌های متعددی از آن به عمل آمده است، لیکن برای تشخیص مصادیق نظم عمومی ضابطه دقیقی ارائه نشده است و نمی‌توان از تمام آن تعاریف چنین ضابطه‌ای را به دست آورد. نقطه مشترک این تعریف‌ها، ارتباط مفهوم نظم عمومی با منافع و مصالح عمومی جامعه است. از این رو برخی از حقوقدانان (۵)، منافع عمومی را ضابطه تعیین قواعد امری می‌دانند و قوانینی را که به منظور حفظ منافع جمعی افراد یک جامعه وضع می‌شوند، قوانین دارای جنبه نظم عمومی و امری می‌نامند.

کرونا و یا اعمال حاکمیت، موجب بروز خسارت شده است، دولت از مسئولیت مدنی معاف می‌گردد که البته شایسته است قانونگذار در این زمینه مداخله کند و با وضع قانون مناسب، گامی مؤثر در راه حمایت بیشتر از حقوق زیان‌دیده بردارد.

### مشارکت نویسندگان

غلامرضا محبیان: ارائه ایده، جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله.  
سیدابراهیم موسوی: راهنمایی و نظارت بر تألیف مقاله.  
جمشید میرزایی: نظارت بر تألیف مقاله.  
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

### تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

### تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

### تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

کوشش می‌کند تا آنقدر که ممکن باشد وضعیت اولیه متضرر به صورت قبل از پیدایش ضرر، بازگردد.

### نتیجه‌گیری

این پژوهش، ضمن بررسی ادله و قواعد فقهی - حقوقی ناظر بر وظایف دولت، به تحلیل و ارزیابی موضوع پرداخته و با تقسیم و تقریری جدید و نگاهی نو به ادله فقهی - حقوقی، مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارات ناشی از کرونا اثبات شده است. بر طبق قواعد مذکور، اگر مدیری بر اثر اعمال خود از قبیل عدم اطلاع‌رسانی صحیح درباره ویروس کرونا، به دیگران خسارت وارد کند، در قبال ضررهای وارده، مسئول و ملزم به جبران خسارت است. بر اساس قواعد فقهی ائتلاف و تسبیب کسانی که باعث اضرار به غیر شوند، ضامن هستند و فرقی بین مباشر و سبب نیست و از طریق قاعده «احترام» هم می‌توان قلمرو موضوعی (کلیه خسارات بدنی، مالی و معنوی) و قلمرو افرادی (مسلمانان و اهل ذمه) خسارت را گسترش داد. با پذیرفتن دیدگاهی که معتقد است قاعده لاضرر از مبانی مسئولیت مدنی است، در صورت اثبات تقصیر، دولت مسئول جبران تمامی خساراتی است که در بحران کرونا، به وسیله کارکنان، کارگزاران و یا به سبب اعمال و تصمیمات حکومتی بر افراد جامعه وارد شده است و تنها چیزی که گستره این مسئولیت را محدود می‌کند، قید «مصلحت عامه» است که اعمال آن نیز به دست حاکم اسلامی است. از آنچه تحت عنوان مسئولیت مدنی دولت بر پایه مبانی خاص مطرح شد، می‌توان بیان داشت که همه قواعد مذکور مبین مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از کرونا توسط دولت است.

در فقه امامیه تفکیکی بین اعمال تصدی و حاکمیتی دیده نمی‌شود و تنها می‌توان برای معاف‌شدن از مسئولیت به قواعدی چون اقدام و یا احسان استناد نمود، اما در حقوق ایران که اصولاً مسئولیت مدنی، مبتنی بر تقصیر است، تقصیر دولت در مورد اعمال تصدی‌گری که موجب خسارات شده، باید اثبات شود، لذا در مواردی که ثابت شود عواملی خارج از کنترل دولت از قبیل حالت اضطرار و ضرورت همچون بحران

## References

1. Jokar M. Jurisprudential foundations of the government's obligations regarding the prevention and control of infectious diseases (Corona case study). *Journal of Medical Law*. 2021; 15(58): 207-223. [Persian]
2. Elsan M. Government's civil responsibility for infectious diseases (Case Study: Covid-19). *Legal Research Journal*. 2019; 23(Special Letter on Rights and Corona): 215-243. [Persian]
3. Barkatin M. Corona intellectual challenges. Online. Available at: <https://www.manaatt.ir/vizhenameh>. Accessed August 2, 2020. [Persian]
4. Katouzian N. *Civil Rights Preparatory Course (Legal Events)*. 1st ed. Tehran: Publishing Company; 1998. p.125, 159. [Persian]
5. Mohaghig Damad M. *al-qawaeid al-fiqhia (Penal Section)*. 2nd ed. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center; 2001. Vol.4. [Persian]
6. Shabani Kandsaris H. Evolution of the civil responsibility of judges in Iranian law; with a comparative study of Islamic and French law. *Researches on Private Law*. 2014;(4): 83-112. [Persian]
7. Safai H, Razi S. The civil responsibility of the judge and its evolution in Iranian and French jurisprudence. *Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Laws*. 2020; 7(3): 121-144. [Persian]
8. Helli N. *Sharaye al-Aslam fi msayl al-Hlal wa al-Hram*. 2nd ed. Qom: Ismailian Institute; 1988. Vol.4. [Arabic]
9. Nejad Bahram Z. Criticism of the performance of the Corona headquarters. Online. Available at: <https://www.mehrnews.com>. Accessed January 19, 2020. [Persian]
10. Moussavi Bojanourdi H. *Ghavaed al-Feqheie*. Qom: Ismailian Institute; 1992 .p.176. [Persian]
11. The interview of Iraj Melakzadeh, Deputy Minister of Health, is the guest of this week's "Handwriting" program. Online. Available at: <https://www.ana.ir>. Accessed December 12, 2020.
12. The progress of corona in the void of managerial coherence and synergy of capacities. Online. Available at: <https://www.iqna.ir>. Accessed December 24, 2020.
13. Mozafari M, Mirzaei Moghadam M. Legal review of the way of learning and the government's responsibility in compensating for the damages caused by the Covid-19 crisis. *Legal Research Quarterly*. 2020; 23(Special Letter on Rights and Corona): 385-411. [Persian]
14. Hodgson T, Seiderman I. Covid-19 Symposium: Covid-19 responses and state obligations concerning the right to health. Covid-19 and international law. Online: Available at: <https://www.opiniojuris.org>. Accessed April 4, 2020.
15. Pourbabai H. Accused of the spread of Corona virus in Iran, Shargh newspaper. Online. Available at: <https://www.magiran.com/article/4024902>. Accessed 2019. [Persian]
16. Mousavi Bojunordi M. *qawaeid al-fiqhia*. Qom: Ismailian Institute; 1992. p.176. [Persian]
17. Kolini M. *Al-Kafi*. Tehran: Islamic Library; 1984. Vol.5 p.292. [Arabic]
18. Katouzian N. *Obligations outside the contract (compulsory guarantee)*. 1st ed. Tehran: University Publications; 2006. Vol.1 p.171. [Persian]
19. Makarem Shirazi N. *Al-Ghavaed al-Feqheii*. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School; 2011. p.16, 67, 68, 111, 167. [Arabic]
20. Khorasani M. *Kefiyah Osul*. 1st ed. Qom: Al al-Bayt Institute, Peace be Upon Them; 1998. p.382. [Arabic]
21. Maraghi M. *Al-Eanawin al-Fiqhih*. Qom: Islamic Publications Office; 1996. Vol.1 p.310-322. [Arabic]
22. Karimi A, Shabani Kandsari H. The logical relationship between the jurisprudential rule of harmlessness and the western rule of abuse of rights. *Comparative Research Quarterly of Islamic and Western Laws*. 2014; 1(2): 135-166 . [Persian]
23. Shabani Kandsari H. Rethinking the criterion and territory and guaranteeing the implementation of the harmless and harmless rule. *Fiqh Ahl al-Bayt*. 2015; 83: 101-142. [Persian]
24. Naini M. *Manyyt al-Talb fi Hashyh al-Mkasb*. 1st ed. Tehran: Al-Mktbh al-Muhamadyh Publications; 1994. Vol.2 p.221. [Arabic]
25. Bojanourdi H. *Al-ghavaed al-Feqheii*. 1st ed. Qom: Al-Hadi Publication; 1998. Vol.1 p.270. [Arabic]
26. Badini H, Momeni K. A New Approach to Prove the Rule of Safe Harm in Non-Punishment. *Quarterly Journal of Private Law Studies*. 2013; 43(3): 19-31. [Persian]
27. Gharibpour M. Jurisprudential explanation of the government's responsibility in facing the corona disease. *Scientific-Research Journal of Medical Jurisprudence*. 2019; 12(42): 1-20. [Persian]

28. Tababai A. Ruyaz al-Msayl fi Byan al-Ahkam Baldlayl. 1st ed. Qom: Al al-Beyt Lahya' al-Trath; 1997. Vol.2 p.301. [Arabic]
29. Ansari (Sheikh Ansari) M. Faraed al-Asul. 6th ed. Qom: Majma al-Fakr al-Islami Publications; 2005. Vol.2 p.534. [Arabic]
30. Khoeii A. Mesbah al-Fiqha. Najaf: Al-Haydariyeh Press; 1954. Vol.2 p.19. [Arabic]
31. Amirhosseini A, Mobin H. Analyzing the foundations of the government's civil responsibility due to the supply of contaminated blood in Iran's legal system and Imami jurisprudence. Khoon Quarterly. 2017; 14(4): 355-366. [Persian]
32. Rashti M. Kitab al-Ghasab (atilaifi). Qom: The Book is a School of Jurisprudence; No Date. Vol.1 p.13. [Arabic]
33. Korkei A. Jame al-Maqasid fi Sharh al-Qavaed. 2nd ed. Tehran: Al al-Bayt Institute; 1993. Vol.6 p.219. [Arabic]
34. Hashemi Shahroudi M. The requirements of penal jurisprudence. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing and Dadgstar Publishing; 1998. p.131. [Persian]
35. Jaafari J, Bagheri A. Jurisprudential and legal foundations of the legitimacy of the government's guarantee in the payment of damages caused by the decrease in the value of money. Fiqh and Islamic Law Studies. 2014; 6(10): 87-116. [Persian]
36. Seifi Mazandarani A. Mabane al-Feqhel al-Feqheel al-Qawaed al-Feqhel al-Asasia. Qom: Islamic Publishing Institute; 2006. Vol.6 p.12-13. [Arabic]
37. Tabrizi M. Osass al-Qaza va al-Shahada. Qom: Author's Office; 2004. p.60. [Arabic]
38. Meshkini Ardabili A. Mustalahat fiy al-Fiqh. 1st ed. Qom: Dar al-Hadith; 2013. p.82. [Arabic]
39. Makarem Shirazi N. Encyclopedia of comparative jurisprudence. 1st ed. Qom: Publications of Imam Ali bin Abi Talib (Peace be Upon Him) School; 2006. p.130. [Persian]
40. Mir Moazi H. Islamic economic system, (goals and motivations). 1st ed. Tehran: Cultural Institute of Contemporary Thought and Knowledge; 1999. p.125. [Persian]
41. Motahri M. A comment on Islamic economic system. 8th ed. Tehran: Sadra Publishing; 1999. p.156-157. [Persian]
42. Zargush Nasab A, Moin A, Ghaibi M. Jurisprudential foundations of the responsibility of the Islamic state in social security. Tehran: Financial and Tax Policy Conference; 2014. [Persian]
43. Akbarian H. Comparison of justice with the Lazarr rule. New research magazine in Islamic jurisprudence. 2009; 15(56): 196-238. [Persian]
44. Najafi M. Jawaher al-Kalam fi Sharh Sharayie al-Islami. Qom: Al al-Bayt Institute; 1994. p.46-57. [Arabic]
45. Tusi (Shykh al-Tayfh) M. Al-Mbswt fi Fqh al-Amamyh. 1st ed. Tehran: Al-Mktbh al-Mrtdwyh Lahya' al-Athar al-Jefryh; 1998. p.159. [Arabic]
46. Ashtiani M. Al-Qada Book. 2nd ed. Qom: Dar al-Hajrah Publications; 1984. p.55. [Persian]
47. Alfat N. Public order and the obligation to enter into a contract. Journal of Jurisprudence and Law. 2005; 2(7): 104-179. [Persian]
48. Shakri Golpaigani T. Application discussion about the condition of knowledge in proving adultery. Ahl al-Bayt (Peace be Upon Them). Jurisprudence Magazine. 1998; 4(14): 123-145. [Persian]
49. Emami H. Civil rights. 33th ed. Tehran: Islamiya Publications; 2012. Vol.1. [Persian]